

Investigating the Fields of Cooperation and Differences between the Islamic Republic of Iran and Russia in the Syrian Crisis

Rouhollah Darayandeh

Ph.D. Student of International Relations, International Relations Group, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ro.darayandeh@gmail.com

Hamid Ahmadi*

Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. hahmadi@ut.ac.ir

Kayhan Barzegar

Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Kbarzegar@hotmail.com

Alireza Moussavizadeh

Assistant Professor of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. contact@moussavizadeh.com

Abstract

Objective: In recent years, the Syrian crisis has been one of the most important international issues and has attracted the attention of many countries around the world. Syria has become an area of cooperation and competition between some regional and international powers. Meanwhile, the Islamic Republic of Iran and Russia have been the main influential actors in Syria. Tehran and Moscow, for some reason, are on the same front, working together to support the Syrian regime. On the other hand, the two countries have fields of conflict in Syria that affect their cooperation. Therefore, the main purpose of this study is to investigate the areas of cooperation and differences between Iran and Russia in the Syrian crisis.

Methods: The method used in this study is descriptive-analytical and uses the theoretical framework of structural realism to analyze the areas of cooperation and difference between the two countries.

Result: Mutual needs and international and regional requirements underpin Iran-Russia security cooperation are common to address security threats. On the other hand, the two countries' approach to the process of political settlement and the structure of the Syrian government in post-conflict conditions and their efforts for greater role-playing and influence, and the type of relationship they have with other actors involved in Syria, are areas of dispute between the two countries.

Conclusion: Cooperation between the Islamic Republic of Iran and Russia in the Syrian crisis is tactical. They have been working together because of the cross-cutting needs, so in the long run the weakening of cooperation will make the differences between the two countries more pronounced, but due to some constraints a minimal level of cooperation between them will be maintained.

Keywords: Syria Crisis, Islamic Republic of Iran, Russia, Cooperation, Difference, Structural Realism.

بررسی زمینه‌های همکاری و اختلاف جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بحران

سوریه

روح الله درآینده

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ro.darayandeh@gmail.com

حمید احمدی*

استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
hahmadi@ut.ac.ir

کیهان برزگر

دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران. Kbarzegar@hotmail.com

علیرضا موسوی زاده

استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،
تهران، ایران. contact@moussavizadeh.com

چکیده

هدف: در چند سال اخیر، بحران سوریه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی بوده و توجه بسیاری از کشورهای جهان را به خود معطوف کرده است. سوریه، عرصه همکاری و رقابت برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. در این بین، جمهوری اسلامی ایران و روسیه، از اصلی‌ترین بازیگران تأثیرگذار در سوریه بوده‌اند. تهران و مسکو بنا به دلایلی در یک جبهه واحد قرار داشته و با همکاری یکدیگر از نظام سوریه حمایت می‌کنند. از طرف دیگر، دو کشور دارای زمینه‌های اختلاف در سوریه هستند که همکاری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش بررسی زمینه‌های همکاری و اختلاف ایران و روسیه در بحران سوریه است. **روش:** روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و از چارچوب نظری واقع‌گرایی ساختاری برای تجزیه و تحلیل زمینه‌های همکاری و اختلاف دو کشور استفاده می‌کند.

یافته‌ها: نیازهای متقابل و الزامات بین‌المللی و منطقه‌ای زمینه‌ساز همکاری ایران و روسیه در حوزه‌های امنیتی برای مقابله با تهدیدات امنیتی مشترک شده است. از طرف دیگر، نوع رویکرد دو کشور در فرآیند راه‌حل سیاسی و ساختار دولت سوریه در شرایط پسمانازه و تلاش آن‌ها برای نقش‌آفرینی و نفوذ بیشتر، و همچنین، نوع رابطه آن‌ها با سایر بازیگران درگیر در سوریه، از زمینه‌های اختلاف دو کشور است.

نتیجه‌گیری: همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بحران سوریه، تاکتیکی است. آن‌ها به علت نیازهای متقابل مقطعی با یکدیگر همکاری داشته‌اند، ولی در ادامه با تضعیف زمینه‌های همکاری، اختلافات دو کشور جلوه بیشتری پیدا خواهد کرد. از طرفی، هرچند دو کشور دارای اختلاف در سوریه هستند، ولی به علت برخی محدودیت‌ها یک سطح حداقلی از همکاری میان آن‌ها حفظ خواهد شد.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، جمهوری اسلامی ایران، روسیه، همکاری، اختلاف، واقع‌گرایی ساختاری.

۱. مقدمه

از آغاز سال ۲۰۱۰، خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد تحولات بنیادین و تاریخی بوده که به بهار عربی تعبیر شده و جهان عرب را تغییر داد. موج این ناآرامی‌ها در ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ از تونس شروع شد و در نهایت منجر به سقوط دولت این کشور شد. در ادامه، این تحولات انقلابی به صورت دومینو در خاورمیانه تداوم یافته و به سوریه رسید. سوریه بازیگری ژئوپلیتیک محور است که با سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از کیلومترها ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. به دلیل اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان می‌نامند (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). بحران سوریه از آنجایی آغاز شد که در ۱۱ مارس ۲۰۱۱، چند دانش‌آموز در درعا علیه نظام حاکم شعارنویسی کردند که توسط نیروهای امنیتی آن‌ها را بازداشت کردند. ادامه این ماجرا، تجمع اهل سنت در مسجد العمری درعا بود که علیه نظام حاکم شعارهایی سر دادند. اعتراضات شدت گرفت و به تدریج سراسر کشور را فراگرفت و نیروهای دولتی مجبور به استفاده از ادوات جنگی سنگین شدند. اعتراضات به شکل مسلحانه میان نیروهای دولتی و مخالفان مسلح ادامه یافت و با دخالت برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از هشت سال است که ادامه دارد.

در طول سالیان اخیر، سوریه به عرصه نقش‌آفرینی برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. در این بین، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای و روسیه به‌عنوان قدرت بین‌المللی از مهم‌ترین بازیگران در این عرصه بوده‌اند. تهران و مسکو بر اساس منافع خود ضمن تشکیل جبهه مشترک، برای مدیریت بحران سوریه با هم همکاری دارند. بحران سوریه برای اولین بار ایران و روسیه را در خاورمیانه به لحاظ عملیاتی در یک صف واحد قرار داد. مسکو و تهران از ابتدای بحران تاکنون راهبرد حفظ وضع موجود و حمایت سیاسی و نظامی از نظام سوریه را در دستور کار خود قرار داده‌اند. نیازهای متقابل، تلاقی مقطعی منافع و الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه‌ساز همکاری دو کشور در حوزه‌های سیاسی و امنیتی در سوریه شده است. ایران و روسیه در عین همکاری در بحران سوریه، دارای اختلافاتی جدی با یکدیگر هستند. به دلیل آنکه همکاری راهبردی بین ایران و روسیه نیازمند یک بستر منسجم و واقعی است؛ بنابراین، همکاری آن‌ها در سوریه نه راهبردی، بلکه مصلحتی و تاکتیکی است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است. همچنین، از نظریه واقع‌گرایی ساختاری به‌عنوان چهارچوب نظری برای تبیین موضوع استفاده شده است. بدین معنا که با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی ساختاری، ضمن توصیف سیاست ایران و روسیه در بحران سوریه به تحلیل زمینه‌های همکاری و اختلاف دو کشور در آن پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه بحران سوریه و تعاملات جمهوری اسلامی ایران و روسیه نوشته شده است. سانیکانی کارا^۱ در کتابی با عنوان «در سایه خرس، مداخله روسیه در سوریه» که در سال ۲۰۱۸ به رشته تحریر درآمده بر این اعتقاد است که بحران سوریه، بعد از تحریم‌های کشورهای غربی علیه روسیه فرصت جدیدی را برای مسکو ایجاد کرد تا بار دیگر خود را در قامت یک قدرت بین‌المللی نشان دهد.

کتاب «چشم‌انداز روابط ایران و روسیه» که در سال ۱۳۹۴ توسط حسین عسگریان تدوین شده است به بررسی روابط دو کشور ایران و روسیه در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و استراتژیک می‌پردازد و تلاش دارد با نگاهی آسیب‌شناختی، این روابط را بررسی و توصیه‌هایی را برای پیشبرد منافع ملی ایران در قبال تعامل با روسیه ارائه کند.

همچنین می‌توان به کتاب «همکاری‌های ایران و روسیه، ابعاد و چشم‌انداز» نوشته ایگور ایوانف و محمود شوری اشاره کرد که در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسید. ویژگی اصلی این اثر، ارائه موفقیت‌آمیز عقاید هر دو طرف ایرانی و روسی است. نویسندگان معتقدند که موقعیت‌های ایران و روسیه به دلیل مسائل امنیتی به هم نزدیک شده است. عامل مهمی که دو کشور را برای همکاری بیشتر نزدیک کرد، بحران سوریه بود. ممکن است ایران و روسیه عقاید متفاوتی در زمینه آینده سوریه و به‌طور کلی خاورمیانه داشته باشند، ولی هیچ‌کدام خواهان یک منطقه بی‌ثبات نیستند.

«جنگ داخلی سوریه و تحول روابط روسیه و ایران» در سال ۲۰۱۶ توسط پیترو داتکویچ و نیکولای کازانوف^۲ به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان مقاله، نیازهای مقطعی دو کشور را باعث همکاری آن‌ها در سوریه در نظر می‌گیرند و معتقدند در حالی که اهداف نهایی که روسیه و ایران در سوریه دنبال می‌کنند متفاوت است، اولویت‌های فعلی آن‌ها یکسان است و امکان شکاف بین دو کشور را در آینده وجود دارد.

از طرفی دیگر می‌توان به کتاب «اتحاد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه؛ عوامل مؤثر و چشم‌انداز» نوشته منوچهر مرادی استناد کرد که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. تمرکز اصلی کتاب بر فهم و تبیین عمق راهبردی رابطه ایران و فدراسیون روسیه و امکان‌سنجی اتحاد استراتژیک دو کشور از طریق بررسی تأثیر مواضع آمریکا بر روند مناسبات ایران و روسیه است. نویسنده معتقد است که آمریکا تهدیدی آشکار برای منافع و امنیت روسیه و ایران است. نویسنده در این کتاب تحلیلی علمی از موانع موجود در مسیر توسعه روابط دو کشور ارائه داده است.

1. Sanu Kainikara
2. Piotr, Dutkiewicz & Nikolay. Kozhanov

«همکاری‌های امنیتی ایران و روسیه؛ زمینه‌ها و چشم‌انداز» عنوان مقاله‌ای است که در سال ۱۳۹۲ توسط سمیه پسندیده نوشته شده است. نویسنده معتقد است که همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف تابعی از ملاحظات استراتژیک برای موازنه قدرت در سطح بین‌المللی، ملاحظات منطقه‌ای و اقتصادی و منافع عینی دو کشور است. سید شمس‌الدین صادقی و سمیرا مرادی در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه» معتقدند که با وجود پیش‌انگاره‌ها و تفاوت در نگاه دو کشور، بحران سوریه بستر مناسبی را برای تحقق ائتلاف دو کشور فراهم کرده است.

۳. چهار چوب نظری: واقع‌گرایی ساختاری

واقع‌گرایی به‌عنوان یک مکتب تئوریک مسلط در رشته روابط بین‌الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. واقع‌گرایی، نقش بسیار زیادی در شکل بخشیدن به رشته روابط بین‌الملل داشت، زیرا بسط رشته مطالعاتی مجزایی را تشویق کرده و کاملاً متناسب با سیاست خارجی آمریکا بود که در آن روابط بین‌الملل اغلب مورد تحلیل قرار می‌گرفت (قوم و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۰). واقع‌گرایی بر چهار فرض استوار است: دیدگاه بدبینانه نسبت به ذات انسان؛ روابط بین‌الملل مناقشه‌آمیز است و جنگ راه‌حل نهایی حل‌وفصل مناقشات بین‌المللی است؛ امنیت و بقای دولت بالاترین ارزش‌ها است؛ بدبینی نسبت پیشرفت سیاست بین‌الملل مانند سیاست داخلی (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۹۳). واقع‌گراها، منافع ملی را چراغ راهنمای سیاست خارجی و دولت‌ها را بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل و مرجع امنیت در نظر می‌گیرند. از دید آن‌ها، توانایی‌های نظامی از اهمیت بالاتری نسبت به توانایی‌های دیگر برخوردار است.

برای پاسخ به انتقاداتی که به واقع‌گرایی وارد شد و برای علمی کردن و اصلاح این نظریه، کنت والتز در سال ۱۹۷۹ به ارائه نظریه واقع‌گرایی ساختاری در قالب کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» پرداخت. از دیدگاه والتز، به‌عنوان پدر واقع‌گرایی ساختاری، نظام بین‌الملل ساختار مشخصی دارد که در آن باید سه اصل یعنی نظم‌دهندگی، ویژگی‌های واحدهای موجود در نظام و توزیع توانایی میان واحدها را در نظر گرفت (Waltz, 1979: 81-82). بر اساس اصل نظم‌دهندگی، نظام بین‌المللی در یک حالت آنارشی قرار دارد که دولت‌ها و ادار می‌کند تا بدون توجه به ظرفیتشان به دنبال تأمین امنیت باشند. واقع‌گراها ساختاری، سطح تحلیل را نظام بین‌الملل در نظر گرفته و ساختار آنارشیکی نظام بین‌المللی را عامل وادار شدن دولت‌ها در تعقیب قدرت به حساب می‌آورند. در مورد ویژگی دوم آن‌ها معتقدند که همه دولت‌های موجود در نظام بین‌الملل به‌واسطه وجود فشارهای ساختاری، از لحاظ کارکردی در وضعیت مشابهی‌اند. سرانجام اینکه، در نظام بین‌الملل، با توجه به ثابت بودن آنارشی و عدم تمایز کارکردی واحدها، آنچه

اهمیت دارد توزیع توانمندی‌ها است که عامل تمایز واحدها محسوب می‌شود و تغییر در آن می‌تواند به معنای تغییر در ساختار نظام باشد (Waltz, 1979: 88-101). ساختار مستقل از خصوصیات واحدها در تعامل میان آن‌ها؛ رفتار آن‌ها را مشخص می‌کند.

در واقع‌گرایی ساختاری، دولت‌ها به موازنه قوا اهمیت می‌دهند. کشورها تنها زمانی می‌توانند اهدافی مثل آسایش و ثروت را دنبال کنند که به تأمین امنیت و بقا دست یافته باشند و عاقلانه‌ترین راه تأمین آن‌ها، موازنه است. والتز معتقد است هر چه دولتی قوی‌تر باشد، احتمال تمایل آن به برقراری سیاست توازن و متحدشدن با سایر دولت‌ها برای غلبه کردن بر تهدید یک قدرت مسلط سیاسی نیز بیشتر خواهد بود (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۶۹۵). والتز، موازنه قدرت را واکنشی به فشار ساختاری نظام بین‌الملل قلمداد می‌کند. دولت‌ها متمایل باشند یا نه، موازنه ایجاد و حفظ می‌شود. ترس از سلطه در یک نظام خودیار به‌گونه‌ای رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهد که آن‌ها تمایل به سمت موازنه دارند و برآند تا قدرت را به قیمت از دست دادن آن از سوی رقبا به دست آورند. کشورهای که احساس تهدید می‌کنند از طریق موازنه‌سازی درون‌گرا (تقویت توانایی‌های خود) یا موازنه‌سازی برون‌گرا (در چهارچوب ائتلاف‌های نظامی) به مقابله با کشورهای برهم‌زننده موازنه می‌پردازند (Waltz, 1979: 126-128).

واقع‌گرایان ساختاری، ماهیت و امکان همکاری‌های بین‌المللی را بر اساس ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل تبیین می‌کنند. آن‌ها با تردید به موضوع همکاری می‌نگرد، ولی آن را غیرممکن نمی‌داند. دولت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند تا از این راه قدرت خویش را به حداکثر برسانند. آن همکاری مدنظر است که در خدمت منافع ملی دولت‌ها قرار گیرد (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۷۵). والتز معتقد است که در فضای آنارشیک امکان همکاری بسیار محدود است. باوجوداینکه ممکن است دولت‌ها از همکاری سود اقتصادی هم ببرند، اما دولت‌ها همواره نگران سود بیشتر دیگران هستند. آنچه اهمیت بیشتری دارد دستاوردهای نسبی است که اگر به زیان آن‌ها باشد مانع همکاری می‌شود. هیچ دولتی نمی‌خواهد طرف مقابل از رابطه و همکاری موجود بیشتر از خود او سود ببرد، زیرا در این صورت در بلندمدت موازنه میان آن‌ها به هم می‌خورد و قدرت یکی نسبت به دیگری بیشتر می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

پیامدهای آنارشیک بودن نظام بین‌الملل دو مانع تقلب و دستاوردهای نسبی را بر سر راه همکاری‌های بین‌المللی ایجاد می‌کند. در واقع، در نظام غیرمتمرکز و خودیار و به دلیل فضای بی‌اعتمادی حاکم بر روابط بین‌الملل، کشورها از ترس فریب خوردن از شریک‌های خود، در ایجاد و تداوم همکاری با کشورهای دیگر با احتیاط عمل می‌کنند (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۵۵). در واقع، آنارشی، باعث می‌شود که کشورها نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد باشند. مهم‌ترین هدف کشورها در نظام بین‌الملل، تضمین بقا است. چون نظام بین‌الملل خودیار است، هر یک از

کشورها باید به تنهایی امنیت خود را تأمین کنند و اتحادها و ائتلاف‌ها نظامی اموری موقت و متغیر هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۶).

۴. تبیین سیاست ایران در بحران سوریه بر اساس نظریه واقع‌گرایی ساختاری

۴-۱. جایگاه سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سوریه از اهمیت بالایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این مسئله در درجه اول به مناسبات خوب و تاریخی دو کشور در دوران پس از پیروزی انقلاب برمی‌گردد. سوریه از اولین کشورهایی بود که نظام جدید ایران را به رسمیت شناخت. در زمان جنگ عراق علیه ایران، سوریه همواره از ایران پشتیبانی کرد. بر این اساس، حافظ اسد جنگ عراق علیه ایران را محکوم و آن را جنگی اشتباه، در زمانی اشتباه و علیه دشمن اشتباه دانست (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۲۹۳-۲۹۲). سوریه در نوامبر ۱۹۸۰ با ایجاد ائتلاف عربی علیه ایران مخالفت کرد و همچنین تلاش کرد تا شوروی را از حمایت عراق در مقابل ایران بازدارد.

بعد دیگر اهمیت سوریه، اتخاذ سیاست مقابله‌جویانه این کشور در برابر اسرائیل است که مبنای اتحاد راهبردی دو کشور محسوب می‌شود. سوریه تنها کشور عربی محسوب می‌شود که در خط مقدم مبارزه با اسرائیل قرار دارد. سوریه به‌عنوان پل ارتباطی مهم میان ایران و حزب‌الله به شمار می‌رود. سوریه در کنار ایران، حزب‌الله و حماس محور مقاومت را تشکیل داده‌اند (کوه‌کن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۲۳). به جرئت می‌توان گفت که سوریه متحد استراتژیک ایران در طول چهل سال گذشته بوده است. در حال حاضر، از لحاظ ژئوپلیتیک، «عمق استراتژیک^۱» ایران گسترش یافته است به گونه‌ای که مرزهای لبنان و سوریه به‌عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. اهمیت روابط دو کشور به گونه‌ای است که آیت‌الله خامنه‌ای، در سال ۱۳۸۵ در ملاقات بشار اسد با ایشان، ایران و سوریه را عمق استراتژیک یکدیگر نامیدند و تأکید کردند که این روابط از دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط کشورهای منطقه است؛ بنابراین، سوریه عرصه‌ای مهم برای حمایت ایران از گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی، نقش‌آفرینی منطقه‌ای و گسترش توان بازدارندگی در مقابل اسرائیل و غرب محسوب می‌شود (دهشیری و عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۷۰).

بر اساس نظریه واقع‌گرایی ساختاری، انگیزه بقا یکی از اساسی‌ترین موضوعات در نظام آنارشیک بین‌المللی است که در نتیجه آن دولت‌ها تنها در شرایط احساس تهدید واکنش نشان داده و دست به موازنه می‌زنند؛ بنابراین، حضور ایران در سوریه مطابق واقع‌گرایی تدافعی به دلیل شرایط ناامنی شدید قابل توجیه است (ربیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۷). بحران سوریه و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ارتباط مستقیمی با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؛ بنابراین، جزء اولویت‌های سیاست خارجی این کشور بوده است. ناآرامی و عدم

ثبات در منطقه بر امنیت ایران اثر دارد. از نگاه ایران، ناامنی در منطقه به معنای ناامنی برای ایران و برعکس ناامنی برای ایران به معنای ناامنی برای منطقه تفسیر می‌شود (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۳۵). در واقع سیاست دولت‌های رقیب منطقه‌ای ایران در سوریه آن‌چنان تهاجمی بود که باعث شد ایران احساس تهدید امنیتی از سوی این بازیگران را برای خود متصور شده و دست به موازنه بزند (ربیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۷). به علت اتحاد راهبردی ایران و سوریه، هرگونه تغییر در وضع موجود، فرصتی را برای رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان در جهت تضعیف موقعیت ایران فراهم می‌کند (Azodi & Mahmoudian, 2018) همچنین، به دلیل حمایت این دو کشور از محور مقاومت، تحول ساختاری در سوریه می‌تواند گفتمان مقاومت را تضعیف و موجب افزایش کنشگری اسرائیل در منطقه شود، ولی اگر دولت اسد بتواند از بحران کنونی با پیروزی خارج شود، دستاورد بزرگی برای ایران در منطقه خواهد بود. حمایت‌های همه‌جانبه ایران از سوریه باعث اعتماد بیشتر سوریه به ایران و افزایش انگیزه‌های ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی این کشور خواهد شد به طوری که این موضوع، به‌طور قطع توان محور مقاومت را ارتقا می‌دهد و موازنه قوا در منطقه را به نفع ایران تغییر خواهد داد.

۴-۲. مواضع ایران در بحران سوریه

در بحران سوریه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عمدتاً مبتنی بر حفظ منافع راهبردی و تحت تأثیر اهمیت این کشور در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه بوده است؛ بنابراین، در طول سالیان اخیر، ایران سعی کرده تا با اتخاذ رویکرد حفظ وضع موجود از حکومت سوریه حمایت کند. حضور ایران در بحران سوریه ماهیتی تدافعی داشته و برای دفع تهدیدات امنیتی است. ایران برای جلوگیری از تضعیف محور مقاومت، جلوگیری از کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود و تغییر موازنه قوا به نفع رقبای منطقه‌ای خود در سوریه حضور یافته است.

در عرصه دیپلماتیک، ایران ضمن حمایت از حق حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه با هرگونه مداخله خارجی در سوریه مخالف بوده و بر حل سیاسی بحران تأکید داشته است. ایران بر گفت‌وگوی سوری - سوری اصرار دارد. رویکرد ایران در خصوص بحران سوریه مبتنی بر تعامل با جامعه جهانی در جهت حل بحران و اصل قرار دادن خواست مردم سوریه در تعیین ساختار آینده نظام سیاسی این کشور است (میرزاده کوهشایی، ۱۳۹۳: ۱۸۶). جمهوری اسلامی ایران در یک همکاری و همسویی نزدیک با روسیه، از ژانویه سال ۲۰۱۷ مذاکرات صلح آستانه را برای حل و فصل بحران در سوریه به راه انداخت که دوازده دور از این مذاکرات تا به حال انجام شده است.

ایران علاوه بر حمایت دیپلماتیک، در فراهم کردن تسلیحات و اعزام مستشاران نظامی برای حکومت سوریه نقش مهمی ایفا کرده است. ایران با استفاده از نیروی قدس سپاه، حمایت‌های نظامی و مستشاری تمام‌عیاری را به دولت سوریه ارائه داده است. در تابستان سال ۲۰۱۵، ایران

هفت صد نفر از مستشاران رده‌بالای سپاه را به سوریه اعزام کرد. در اوایل سال ۲۰۱۶ نیز تکاوران تیپ ۶۵ نود ارتش ایران به‌عنوان مستشار به سوریه اعزام شدند (نجات، ۱۳۹۶: ۲۴۴). فرماندهان و مستشاران سپاه پاسداران مستقیماً بر آموزش شبکه نظامی رژیم سوریه، تجهیز آن‌ها به ابزارهای تسلیحاتی، نظارت بر عملیات نظامی، حتی در اختیار گرفتن انحصاری برنامه مذاکره با گروه‌های معارض کنترل دارند. تعدادی از شبه‌نظامیان شیعی عراقی، لبنانی، افغانی و پاکستانی مأموریت‌های متعددی را با فرماندهی ایران بر عهده دارند.

در حوزه اقتصادی، ایران بخشی از هزینه‌های مالی و تأمین امکانات لجستیکی حکومت اسد را تأمین می‌کند. از آغاز بحران سوریه، ایران تسلط خود را بر روند روابط تجاری با آن کشور ادامه داده است. بنا به ادعای مقامات آمریکایی و اروپایی و اعضای گروه اپوزیسیون سوریه، ایران برای دولت سوریه موارد ذیل را فراهم کرده است: حمایت مادی، ارسال سلاح سبک و مهمات و تجهیزات نظامی دیگر، تکنولوژی‌ای که بتواند اینترنت و ارتباطات شبکه تلفن همراه را سد و کنترل کند و تجهیزات ضد شورش که به حکومت سوریه در سرکوب شورش‌ها کمک کند (Samuel, 2012: 2). در مارس ۲۰۱۲، در زمانی که دمشق در حال فشار برای خنثی کردن زیان‌های تجاری‌اش در ارتباط با لغو یک‌طرفه موافقت‌نامه تجارت آزاد با ترکیه از سوی این کشور بود، ایران یک موافقت‌نامه تجارت آزاد را با دمشق منعقد کرد. ایران در ژوئیه ۲۰۱۴ نیز ۳/۶ میلیارد دلار خط اعتباری برای خریداری محصولات نفتی به سوریه داد. نیازهای اولیه برای مناطق تحت کنترل دولت توسط ایران تأمین می‌شود؛ ایران به اصلی‌ترین تأمین‌کننده اسلحه نیروهای اسد تبدیل شده است (نجات، ۱۳۹۶: ۲۴۷-۲۴۶). بنا به برآوردی که در ژوئن ۲۰۱۵ توسط فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه منتشر شده، ایران در این سال مبلغی بالغ بر شش میلیارد دلار به حکومت سوریه حمایت مالی کرده است (Katzman, 2019: 5-8). همچنین طبق گفته محمدعلی شهیدی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، تاکنون ۲۱۰۰ مدافع حرم برای دفاع از حرم اهل‌بیت شهید شده‌اند (شهیدی، ۱۳۹۸).

۵. تبیین سیاست روسیه در بحران سوریه بر اساس نظریه واقع‌گرایی ساختاری

۵-۱. اهداف و انگیزه‌های روسیه از مداخله در بحران سوریه

کارشناسان امور بین‌الملل، اولین ویژگی روابط میان روسیه و سوریه را تاریخی بودن آن می‌دانند که همواره زمینه مناسبی برای همکاری نزدیک بین دو طرف فراهم می‌کند (زرگر، ۱۳۹۲: ۶۰). تا اوایل دهه ۵۰ میلادی، سوریه به یکی از مهم‌ترین شرکای شوروی در خاورمیانه تبدیل شد. روابط خوب دو کشور در دوران جنگ سرد، با ایجاد پایگاه لاذقیه توسط شوروی و توسعه انواع همکاری‌های گسترده سیاسی و نظامی دو کشور تکمیل شد. تغییر در جهت‌گیری‌های سیاسی شوروی در نیمه دهه ۱۹۸۰ با روی کار آمدن گورباچف به ایجاد فاصله میان دو کشور انجامید که تا مدتی پس از فروپاشی شوروی نیز ادامه داشت، ولی با قدرت رسیدن مجدد گفتمان

اوراسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه روابط روسیه با سوریه تقویت شد. در سال‌های اخیر مسکو در تلاش بوده است تا سوریه را به‌عنوان دروازه ورود به خاورمیانه و جهان عرب تحت نفوذ خود نگه دارد (شیخ‌الاسلامی و بیکی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

مطابق با نظریه واقع‌گرایی ساختاری، ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد برای مدتی هرچند کوتاه تک‌قطبی شد و آمریکا در رأس آن قرار گرفت. واشنگتن، در جهت حفظ و گسترش هژمونی خود در امور جهانی اقدامات یک‌جانبه را انجام می‌داد و موازنه قوا را در نظام بین‌الملل دچار خدشه کرد. از نگاه روسیه، سیاست آمریکا، تحت فشار قرار دادن و کاهش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه بوده است. گسترش ناتو به شرق، استقرار سیستم دفاع موشکی، حضور آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و سیاست آمریکا در تحولات عربی همگی مواردی‌اند که تهدیدی جدی علیه امنیت ملی روسیه به شمار می‌آید؛ بنابراین، روسیه، واکنش‌های موازنه‌ای متنوعی را در مقابل غرب و آمریکا به اجرا گذاشته است.

روسیه، تحولات عربی را یک جریان هدایت‌شده و در جهت منافع آمریکا تلقی کرده که می‌تواند بر منافع روسیه در خاورمیانه تأثیر منفی داشته باشد. از نگاه روس‌ها، غربی‌ها با ایجاد «آشوب کنترل‌شده»^۱ و به بهانه‌هایی نظیر حقوق بشر در صدد رسیدن به اهدافشان هستند. سرگئی لاوروف، معتقد است که بحث از تحولات جهان عرب با عنوان بهار عربی و حرکت‌های دموکراسی‌خواهانه چیزی بیشتر از حرف‌های کودکانه نیست (Trenin, 2013: 10). نخبگان روسیه نگران هستند که پس از عراق، لیبی و سوریه، ممکن است نوبت روسیه باشد (Bagdonas, 2012: 69).

از دیدگاه واقع‌گرایان ساختاری، بروز سیاست تهاجمی در روسیه، نتیجه فشارهای ساختاری ایجادشده توسط نظام بین‌الملل است. روسیه علاقه‌مند به بازگرداندن خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ، در برابر هرگونه تهدید واکنش نشان می‌دهد. کلید معمای مداخله روسیه در سوریه شکستن «بن‌بست استراتژیک» بود که این کشور را تحت سلطه قوانین غرب قرار می‌داد. مسکو، به دنبال استقرار یک سیستم امنیتی است که نقش آمریکا را در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و سیستم امنیت جهانی محدود کند (Covington, 2015: 1-3) و اهداف راهبردی‌اش تأمین شود.

از طرف دیگر، مقابله با تهدیدات امنیتی یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های روسیه برای مداخله در سوریه بوده است. در بعد منطقه‌ای، روسیه می‌خواهد بازیگری مهم در خاورمیانه باقی بماند. آن‌ها معتقدند که رفتن اسد منجر به از دست دادن آخرین حلقه از متحدانش در خاورمیانه می‌شود و این به معنای تضعیف جایگاه بین‌المللی روسیه و ناکامی در تحقق مبانی سند دکترین امنیت ملی روسیه است (Rogers & Reeve, 2015: 3). الکسی مالاشنکو^۲، تحلیلگر ارشد روسی در مسائل خاورمیانه در سال ۲۰۱۳ بیان داشت که روابط سوریه و روسیه آخرین بازمانده سیاست شوروی

1. controled chaos
2. Aleksei Malashenko

سابق در خاورمیانه است. این نقطه نهایی حضور شوروی در منطقه است (Allison, 2013: 803). همچنین، سقوط اسد می‌تواند ایران را به‌عنوان شریک راهبردی روسیه برای موازنه‌سازی با آمریکا در خاورمیانه ضعیف کند (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۱۶). از طرفی، حضور نظامی ناتو در منطقه پیرامونی مسکو تهدید جدی علیه امنیت و منافع این کشور محسوب می‌شود. روسیه تلاش کرده تا میدان بازی غرب را از حوزه‌های امنیتی مستقیم خود مثل کشورهای خارج نزدیک به سایر بحران‌های منطقه‌ای مثل بحران سوریه منحرف کند.

مجاورت خاورمیانه و مرزهای جنوبی روسیه باعث شده که خاورمیانه نقطه آسیب‌پذیر برای منافع روسیه قلمداد شود. یک دلیل مداخله روسیه در سوریه، نگرانی مسکو از روی کار آمدن یک دولت اسلامی افراطی در سوریه است، زیرا این دولت تهدیدی علیه امنیت و ثبات مناطق مسلمان‌نشین روسیه است (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). از نگاه روسیه، سوریه یکی از ستون‌های معماری خاورمیانه است و درگیری و تنش در آن دارای پیامدهای شدید برای کل منطقه است (Bagdonas, 2012: 70). از نگاه روسیه، ایجاد یک سوریه باثبات تنها از طریق تکامل نظام حکومتی قبلی و نه از طریق نابودی آن ایجاد خواهد شد. لاوروف در ژوئن ۲۰۱۱ بیان داشت که سوریه کشور مهمی در خاورمیانه است و بی‌ثباتی آن در خارج از مرزهای آن منعکس خواهد شد (Meyer and et al, 2011).

روسیه در سطوح اقتصادی و نظامی قراردادهای با دولت سوریه دارد که در صورت سرنگونی دولت اسد این قراردادها با خطر روبرو خواهد شد. به‌عنوان نمونه، روسیه در فروش سلاح به سوریه بدون رقیب است. سوریه در میان ده کشور واردکننده تسلیحات نظامی از روسیه قرار دارد. در سطح وسیع‌تر، بحران سوریه فرصتی را برای روسیه فراهم کرد تا عملکرد تسلیحات نظامی خود را به مشتریان بالقوه تسلیحات روسی در خاورمیانه نشان دهد.

۵-۲. مواضع روسیه در بحران سوریه

روسیه در طول سالیان اخیر، به همراه جمهوری اسلامی ایران خواهان حفظ وضع موجود بوده و از نظام سوریه به روش‌های مختلف حمایت کرده است. این حمایت، یک بار دیگر، روسیه را پس از جنگ سرد به‌عنوان یکی از مراکز قدرت جهانی مطرح کرده است. روسیه علی‌رغم فشارهای بی‌سابقه‌ای که از طرف غرب و جهان عرب متحمل شده است، رویکرد موازنه‌ای را در قبال بحران سوریه در پیش گرفته است (Naumkin and et al, 2012: 61).

روسیه با استفاده از ظرفیت سازمان ملل، مداخله نظامی و استفاده از دیپلماسی، نمایش ظرفیت نظامی و تقویت پایگاه‌های خود در سوریه به ایجاد موازنه و مقابله با تهدیدات علیه امنیت ملی پرداخته است. با توجه به واقع‌گرایی ساختاری، روس‌ها از سازمان ملل متحد و عضویت دائم در شورای امنیت برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌برند. مسکو تلاش کرده با استفاده از قدرت وتوی خود، هرگونه اقدام یک‌جانبه آمریکا و محور حامی مخالفان اسد را در شورای امنیت

محدود کند. روسیه با پیش‌نویس هرگونه قطعنامه‌ای که سوریه را تحت فصل هفتم منشور ملل متحد قرار دهد مخالفت کرده است. بعد از حملات شیمیایی به غوطه در اوت ۲۰۱۳، خان شیخون در آوریل ۲۰۱۷ و دوما در آوریل ۲۰۱۸ و مواردی مشابه آن، روسیه ضمن مردود دانستن دخالت دولت سوریه در این حملات، با هرگونه مداخله نظامی آمریکا و متحدانش مخالفت کرده است. درواقع، مخالفت روسیه با تصویب قطعنامه شورای امنیت مبنی بر مجازات رژیم اسد، پاسخ به سوءاستفاده غرب از قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت علیه لیبی است (Siddiqui, 2016: 16). روسیه از آغاز بحران سوریه تا پایان سال ۲۰۱۷، پیش‌نویس ۱۴ قطعنامه در شورای امنیت را وتو کرد. همچنین، مسکو حضور نیروهای آمریکا در سوریه را غیرقانونی قلمداد و از خروج آن‌ها استقبال کرده است. پوتین در دیدار با اردوغان در ژانویه ۲۰۱۹ بیان کرد: «در صورتی که آمریکا برنامه‌اش برای خروج از سوریه را محقق کند این اقدامی مثبت است» (Sputnik, 2019: 1-23).

راهبرد دیگر روسیه، مداخله نظامی در سوریه بوده است. درواقع، مداخله نظامی نشان‌دهنده تمایل روسیه برای مقابله با هژمونی آمریکا و تلاش برای شکل دادن به یک توازن قوا و مقابله با تهدیدات علیه منافع و امنیت ملی روسیه است. روسیه، سامانه دفاعی اس-۳۰۰ را در سال ۲۰۱۲ به دولت سوریه تحویل داد. در اوت سال ۲۰۱۵ بشار اسد اعلام کرد که دولت قادر به کنترل همه مناطق در کشور نیست و درخواست کمک بیشتر از متحدان خود را کرد. کمتر از ۵۰ درصد از ارتش ۳۰۰ هزار نفری سوریه قبل از جنگ، باقی مانده بودند. دولت تنها حدود ۱۷ درصد از کل کشور را کنترل می‌کرد. در ۲۶ آگوست ۲۰۱۵، موافقت‌نامه‌ای میان روسیه و سوریه به امضا رسید که بر اساس آن مسکو به حمایت نظامی به سوریه متعهد شد. در این راستا، کمک نظامی به نظام سوریه از ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۱۵ با حملات هوایی به مقر مخالفان، شکل تازه‌ای به حمایت‌های گذشته بخشید (Kainikara, 2018: 81-82). اقدام نظامی روسیه که اولین آن پس از سال ۱۹۸۹ در خاورمیانه محسوب می‌شود از شکل‌گیری یک بازی بزرگ جدید در منطقه در چارچوب حفظ و تقویت موقعیت نسبی مسکو در نظم بین‌المللی حکایت دارد (Allcock, 2016: 1). با مداخله نظامی روسیه در سوریه، مسکو به دنبال ارسال این پیام محکم به جهان است که آماده تهدید برای هر تهدید است (Ozertem, 2015: 10).

همچنین، روسیه برای ایجاد موازنه نرم در تلاش است تا با به‌کارگیری دیپلماسی ابتکار عمل را در مذاکرات برای حل و فصل سیاسی بحران در دست بگیرد و به اهداف خود برسد. روس‌ها با مداخله در سوریه خواهان اطمینان یافتن از داشتن نقش برجسته در هرگونه سازوکار سیاسی برای حل بحران سوریه می‌باشند (Rogers & Reeve, 2015: 3). روسیه از ژانویه ۲۰۱۷، مذاکرات صلح آستانه را با کمک ایران و همراهی ترکیه برای حل سیاسی بحران سوریه برگزار کرده است. همچنین، روسیه با ابتکار خود نشست‌هایی را در سوچی، ترتیب داده است. مهم برای

روسیه آن است که نشان دهد به‌عنوان یک قدرت بزرگ در حل سیاسی بحران بین‌المللی نقش محوری و سازنده‌ای دارد.

روسیه با نمایش ظرفیت نظامی خود و به‌کارگیری برخی پیشرفته‌ترین سلاح‌ها در سوریه در پی آن است تا قدرت خود را به رخ دیگران بکشد (Dutkiewicz & Kozhanov, 2016: 8-9). همچنین، روسیه با حفظ و تقویت پایگاه‌های نظامی خود در سوریه به‌ویژه پایگاه طرطوس در صدد ایجاد موازنه با آمریکا است. در مطابقت با واقع‌گرایی ساختاری، این پایگاه جزء مهمی از قابلیت‌های مادی روسیه است. طرطوس نقطه دریافت برای تسلیحات روسی و قادر به اتصال زیردریایی‌های هسته‌ای است (Allcock, 2016: 4) و می‌تواند با پشتیبانی پایگاه هوایی لاذقیه، به کنترل سواحل سوریه بپردازد. این کنترل شامل ورود و خروج مخالفان دولت، گروه‌های تروریستی و کشتی‌های ناوگان ششم دریایی آمریکا در مدیترانه، که به‌نوعی نماینده کل اعضای ناتو شمرده می‌شود، خواهد شد.

۶. زمینه‌های همکاری روسیه و ایران در سوریه بر اساس واقع‌گرایی ساختاری

روابط ایران و روسیه در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، ناشی از الزامات ساختار نظام بین‌الملل بود. بر اساس واقع‌گرایی ساختاری، رقابت میان آمریکا و شوروی در ساختار نظام دوقطبی، ایران را به اتخاذ سیاست‌های هماهنگ با غرب سوق داد. انقلاب اسلامی برای واشنگتن نگران‌کننده و برای مسکو امیدبخش بود. پس از فروپاشی شوروی، به دلیل حاکمیت تفکر آتلانتیکی در سیاست خارجی روسیه، ایران دارای جایگاه مناسب در نزد روسیه نبود. روابط دو کشور به‌طور جدی از میانه دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. آن‌ها در یک عرصه منطقه‌ای مشترک برای بیش از دو دهه به اشکال مختلف با یکدیگر همکاری داشته‌اند. این همکاری‌ها عمدتاً در افغانستان، آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه بوده است و به‌طور عمده در موضوعات امنیتی برای حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای بوده است (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵: ۳۴). ایران در جنگ دوم چین در سال ۱۹۹۹ از موضع‌گیری به نفع مسلمانان چین خودداری کرد و در بهبود روابط روسیه با کشورهای اسلامی در جایگاه رئیس سازمان کنفرانس اسلامی نقشی سازنده داشت (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

پس از آغاز تحولات عربی، همکاری ایران و روسیه شکل دیگری به خود گرفته و آن‌ها را در حوزه امنیت ملی با رویکردی مشترک مواجه کرده است. همکاری دو کشور تنها پس از بحران سوریه بود که نمود فراوانی در منطقه خاورمیانه داشت. به لحاظ عملیاتی، بحران سوریه، آن‌ها را در خاورمیانه در یک جبهه مشترک قرار داد (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵: ۸۳). همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه، یکی از مؤثرترین همکاری‌ها در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای بوده است. همچنین، برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران با یک قدرت بین‌المللی وارد یک

هم‌پیمانی می‌شد. از طرف دیگر، ترکیب این همکاری بستری را برای مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی فراهم کرد.

تهران و مسکو با چشم‌پوشی موقت از اختلافات، به همکاری در سوریه پرداختند و کمک‌های زیادی به دولت سوریه ارائه کرده‌اند. در واقع، روس‌ها پس از ایران به سوریه وارد شدند و اینکه ایران از لحاظ امنیتی و اطلاعاتی در سوریه دست بالا را دارد، روسیه نیاز به همکاری با ایران را احساس می‌کند. این امر به‌ویژه در کوتاه‌مدت به دلایلی از جمله حضور نیروی زمینی ایران در سوریه و توانایی آنان در حفظ حکومت اسد؛ واداشتن ایران به همگرایی بیشتر با توجه به حضور نیروی هوایی روسیه در سوریه؛ بالا بردن قدرت چانه‌زنی روسیه در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ و کاستن از توجه و تمرکز بر بحران اوکراین و سوق دادن اذهان به سمت سوریه و خاورمیانه بسیار حیاتی است. ایران به دلیل استقلال در سیاست خارجی یگانه‌کشوری در منطقه است که مسکو می‌تواند از طریق همکاری با آن به اهداف خود در خاورمیانه دست یابد. ایران نیز به دلایلی از جمله، توانایی هوایی روسیه، کاهش فشارها به دلیل حضور در سوریه و استفاده از ظرفیت روسیه در شورای امنیت به همکاری با روسیه متمایل است. همین نیاز متقابل در کوتاه‌مدت زمینه‌های همکاری ایران و روسیه را فراهم می‌آورد، ولی در بلندمدت به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند تضمین‌کننده باشد.

واقع‌گرایان ساختاری، معتقدند که ساختار نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای است که دولت‌ها باید برای بقا به خودشان متکی باشند، ولی اگر ضرورت ایجاب کند دولت‌ها باید برای ایجاد توازن و غلبه بر حریف به اتحاد دست زنند. از طرف دیگر، در سطح تحلیل جهانی آنچه ایران و روسیه را دارای منافع مشترک می‌سازد، رویکرد تجدیدنظرطلبانه آن دو کشور در قبال نظم موجود در نظام بین‌المللی است (صادقی، ۱۳۹۶: ۲۳۱). هرچند روسیه قدرتی جهانی و ایران قدرتی منطقه‌ای است، اما آنان بر جهانی چندقطبی تأکید دارند. روسیه و ایران به دلیل تهدیدات استراتژیک آمریکا در پی آنند که در برابر یک‌جانبه‌گرایی و تهدیدهای آمریکا، سطحی از موازنه قدرت را ایجاد کنند. در واقع، نوع برخورد آمریکا با روسیه و ایران، آن‌ها را به سوی همکاری با یکدیگر سوق داده است؛ بنابراین، جلوگیری از فشارهای بین‌المللی برای منزوی ساختن ایران و روسیه، دستیابی به قدرت مانور بیشتر در سطح بین‌المللی و جلوگیری از گسترش ناتو از مهم‌ترین موضوعات مشترک در حوزه سیاست خارجی دو کشور قلمداد می‌شود (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

از نظر ایران، روابط با روسیه می‌تواند موازنه‌دهنده موضع ایران در مسائل بین‌المللی به‌ویژه در مقابل غرب و بازدارنده سایر قدرت‌های منطقه‌ای باشد و تلاش‌های آن‌ها را برای حذف نقش ایران در منطقه ناکام گذارد. همچنین تهران حمایت سیاسی مسکو به‌ویژه قدرت و توی آن در شورای امنیت و توان و تجهیزات آن را ظرفیت‌های مهمی برای تقویت سیاست خارجی خود می‌داند (عسگریان، ۱۳۹۴، ص. ۳۴). برای مسکو نیز روابط و همکاری با تهران به توسعه نفوذش

در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌ویژه در خاورمیانه کمک می‌کند. ویتالی نامکین بیان می‌دارد: در زمینه سیاسی، ایران یک موازنه‌گر در روابط روسیه با غرب است و به مسکو جهت گسترش نفوذ در خاورمیانه کمک می‌کند (Naumkin, 1998:1). ایران به‌عنوان شریک اصلی روسیه در خاورمیانه برای تشکیل محور ضد غربی به حساب می‌آید و این امر نشانه استقلال عمل دولت روسیه در مسائل بین‌المللی است در نتیجه واگرایی سیاسی ایران و روسیه در خاورمیانه تمام تلاش‌های روسیه در این منطقه را عقیم خواهد کرد (پسندیده، ۱۳۹۳: ۱۶۷). برای روسیه، ایران مخالف غرب ابزار مفیدی برای امتیاز گرفتن از غرب و به‌ویژه آمریکا از یک طرف و از طرف دیگر، مقابله با نفوذ بیشتر این کشور در خاورمیانه است. به همین دلیل است که عده‌ای معتقدند که روسیه همواره در تلاش بوده است تا از نزدیک شدن ایران به غرب جلوگیری کند. به‌عنوان نمونه، روسیه بعد از توافق جامع هسته‌ای، ممنوعیت تحویل سیستم موشکی اس-۳۰۰ به ایران را لغو و این سامانه در سال ۲۰۱۶ به تهران تحویل داد. به نظر می‌رسد انگیزه روسیه از تغییر رویکرد در قبال همکاری دفاعی با ایران، علاوه بر اینکه به توافق هسته‌ای مرتبط است، می‌تواند ناشی از نگرانی مسکو از بهبود روابط ایران با غرب و گمانه‌زنی درباره محدود شدن فضای همکاری با ایران دوره پس از برجام باشد (مرادی، ۱۳۹۶: ۲۶۵). به‌علاوه، از دیدگاه روسیه، تقویت همکاری‌ها با ایران می‌تواند روابط حسنه با ایران را حفظ و از گرایش ایران به سمت غرب جلوگیری کند. به اعتقاد برخی کارشناسان، پوتین از ترس بهبود روابط ایران با غرب و نزدیک شدن به دولت‌های غربی خواستار تقویت روابط با ایران است (Katz, 2015: 1).

از دیگر زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بحران سوریه، حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای از طریق مقابله با تهدیدات مشترک منطقه‌ای است. تهران و مسکو نگرانی جدی در موضوعاتی چون تروریسم و افراط‌گرایی دارند. هر دو کشور به این امر واقف‌اند که پیدایش و تقویت گروه‌های تروریستی در منطقه در طول سال‌های پس از جنگ سرد با منافع ژئوپلیتیکی رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای‌شان پیوند داشته است. در چند سال اخیر نیز رشد گروه‌های سلفی و تروریستی در خاورمیانه بخصوص در سوریه دغدغه جدی دو کشور بوده است. حضور داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق می‌تواند در بلندمدت تهدیدات مرزی و ارضی فراوانی را متوجه ایران کند. رادیکال شدن فضای منطقه از طریق شکاف بین شیعه - سنی، تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی، عملیات تروریستی، تضعیف جبهه مقاومت در منطقه، ایجاد حاشیه امن برای اسرائیل و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه از جمله تهدیدات ظهور داعش برای ایران بوده است (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). به‌عنوان نمونه می‌توان به حمله تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ اشاره کرد. روسیه نیز به دلایل مختلف نسبت به رشد گروه‌های تروریستی تکفیری در سوریه ابراز نگرانی کرده است. اول، برخی مناطق در بخش‌های جنوبی قلمرو روسیه از جمله

چچن و داغستان مناطقی هستند که سلفی‌ها امیدوار به توسعه نفوذ خود در آن‌ها می‌باشند. دوم، بر طبق گزارش‌ها برخی از اتباع روسیه در این مناطق به گروه‌های تروریستی در سوریه پیوستند. آن‌ها خصومتی دیرینه با مسکو داشته و سودای جدایی از حکومت مرکزی را دارند. در نتیجه مبارزه با تروریسم و خطر افراط‌گرایی در سوریه یکی از زمینه‌های همکاری تهران و مسکو بوده و دو کشور برای مقابله با این تهدید مشترک سطح فزاینده‌ای از همکاری‌های سیاسی و امنیتی را به نمایش گذاشته‌اند. در سپتامبر ۲۰۱۴، لاوروف ایران را متحد طبیعی روسیه در مبارزه علیه افراط‌گرایان اسلامی در خاورمیانه خواند (Lavrov, 2014).

ایران و روسیه یک تیم نسبتاً مؤثر در سوریه تشکیل دادند که هرکدام مکمل دیگری است و به پشتیبانی از نظام سوریه می‌پردازند. دو کشور هم با مداخلات سایر کشورها در زمینه مسلح کردن مخالفان نظام سوریه به شدت مخالف‌اند و هم با مداخله نظامی مستقیم قدرت‌ها به ویژه آمریکا در سوریه مخالف‌اند (اصولی و رسولی، ۱۳۹۲: ۸۹). ایران، از طریق نیروی قدس سپاه خود و روسیه از طریق نیروی هوایی و شلیک موشک‌های دوربرد در یک هماهنگی با هم به حمایت از سوریه می‌پردازند. ایران کمک‌های لازم مالی، مادی و مهم‌تر از همه نیروی انسانی را فراهم کرد و روسیه حملات هوایی عرضه می‌کند که فقدان آن مشارکت‌های نظامی ایران را در عرصه نبرد کم‌فایده خواهد کرد.

از یک طرف موشک‌های روسیه با شلیک از کشتی‌های جنگی در دریای خزر و عبور از آسمان ایران، به اهداف مورد نظر در سوریه اصابت کردند. در مورد دیگر، در ۱۶ اوت سال ۲۰۱۶ جنگنده‌های روسی از نوع بمب‌افکن‌های دوربرد TU-22M3 و تاکتیکی SU-34، از پایگاه هوایی نوژه همدان، به بمباران اهداف مورد نظر در سوریه پرداختند. این اولین بار است که یک قدرت بزرگ از زمان انقلاب ۱۹۷۹ عملیات نظامی از خاک ایران انجام داده است. حتی، این نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم بود که ایران به یک نیروی خارجی اجازه استفاده از پایگاه‌های نظامی خود برای انجام عملیات را می‌داد (MasFarquhar & Sanger, 2016). در مارس سال ۲۰۱۷، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، با اشاره به همکاری خوب ایران و روسیه اعلام کرد که به صورت موردی و اگر لازم باشد که روس‌ها از پایگاه‌های ایران استفاده کنند، در این زمینه تصمیم‌گیری خواهد شد (ظریف، ۱۳۹۶). اجازه ایران برای استقرار هواپیماهای روسیه در پایگاه نوژه نشان‌دهنده سطح بالای همکاری دو کشور در بحران سوریه است.

سطح بالای تماس‌ها، رایزنی‌ها مقامات ارشد سیاسی و نظامی دو کشور از دیگر نمودهای همکاری‌های تهران و مسکو در بحران سوریه محسوب می‌شود. در ژانویه ۲۰۱۵، سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه به تهران سفر کرد. شویگو، اولین وزیر دفاع روسیه بود که بعد از پانزده سال به ایران سفر می‌کرد. مقامات نظامی و سیاسی دو کشور در طول این سال‌ها

1. Sergey Shoygu

نشست‌های متعددی را درباره اوضاع سوریه انجام داده‌اند. همکاری دو کشور در سوریه به آن حد رسیده که رهبر انقلاب، در دیدار یوتین با ایشان، همکاری‌های تهران و مسکو را در عرصه‌های سیاسی و امنیتی مناسب ارزیابی کرد و از گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی میان دو کشور استقبال کرد. یوتین نیز در این دیدار، ایران را متحدی مطمئن و قابل تکیه در منطقه و جهان در نظر گرفت (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

۷. زمینه‌های اختلاف ایران و روسیه در سوریه بر اساس واقع‌گرایی ساختاری

درحالی‌که برخی از محققان به اتحاد قوی بین ایران و روسیه معتقدند، برخی دیگر بر این نظرند که همکاری آن‌ها در سوریه بیش از اینکه راهبردی باشد، تاکتیکی است. عواملی وجود دارد که مانع یک اتحاد سیاسی و نظامی استراتژیک میان دو کشور می‌شود. همکاری راهبردی، دربردارنده درجه بالایی از همکاری است که در مورد همکاری‌های ایران و روسیه صدق نمی‌کند (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵: ۴۱-۳۹). به تعبیر کریستوفر فیلیپس^۱، کارشناس موسسه چتم هاوس، روسیه و ایران در وضعیتی ما بین دوستی و دشمنی در کنار یکدیگر قرار گرفتند. بر این اساس، اگرچه ممکن است طرفین در کوتاه‌مدت در موضوعاتی نظیر حفظ نظام سوریه و مقابله با تهدیدات امنیتی اشتراک منافع داشته و با یکدیگر همکاری کنند، اما در درازمدت منافع آن‌ها در تعارض با یکدیگر قرار دارد (The Financial Times, 2015).

بر مبنای نظریه واقع‌گرایی ساختاری، نظام بین‌الملل نظامی آنارشیک است و دولت‌ها به یکدیگر بی‌اعتماد هستند. همکاری‌های سیاسی و نظامی اموری موقتی هستند و کشورها با در نظر گرفتن سود نسبی عمل می‌کنند و ساختار نظام بین‌الملل بر روابط کشورها با یکدیگر اثرگذار است. بر این اساس، ایران و روسیه در نظام بین‌الملل فعلی به هم اعتماد ندارند و همکاری آن‌ها مقطعی است (فرشادگهر و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۰). ایران یک سوءظن تاریخی نسبت به رفتارهای روسیه دارد. به‌عنوان مثال، بروز برخی واکنش‌های منفی در ایران به خاطر استفاده روسیه از پایگاه نوژه، نشان‌دهنده وجود ذهنیت تاریخی منفی و عدم اطمینان از اهداف روسیه نزد مردم ایران برای همکاری بلندمدت است. از طرف دیگر، بسیاری از نظریه‌پردازان امنیتی روسیه، اگرچه در شرایط فعلی، همکاری‌های دو کشور را به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی و نظامی مفید و ضروری می‌دانند، اما در بلندمدت آن را در جهت منافع ملی روسیه نمی‌دانند (Orlov & Vinnikov, 2005: 50) و به ایران به چشم یک تهدید امنیتی پایدار برای روسیه می‌نگرند.

بر اساس واقع‌گرایی ساختاری، روسیه در همکاری خود با ایران در سوریه به منافع بلندمدت و دستاوردهای نسبی این همکاری‌ها توجه دارد و از اینکه ایران به یک موقعیت مهم در منطقه و به یک رقیب برای روسیه در آینده تبدیل شود هراس دارد. بر اساس سند امنیت ملی روسیه،

1. Christopher Phillips

روس‌ها با سیاست عمل‌گرایانه، بدون در نظر گرفتن فایده، تنها هزینه نمی‌کنند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۷). سیاست روسیه در روابطش با ایران از چشم‌انداز کلان این کشور به سیاست جهانی تأثیر می‌پذیرد. هرچند مسکو از رابطه و همکاری با ایران منافع زیادی را کسب کرده است، ولی پیشینه این همکاری برای روسیه، عدم آسیب جدی به مناسبات کلان خود با آمریکا است. در طرف مقابل، ایران معتقد است دشمنی آمریکا با ایران پایان‌ناپذیر است (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶: ۱۶۰)؛ بنابراین، می‌توان از روسیه به‌عنوان عامل تعدیل بخش یا تنظیم‌کننده مناسبات با غرب بهره گرفت؛ بنابراین، با توجه به حاکم بودن نگاه ابزاری به همکاری‌های میان ایران و روسیه، زمینه‌های اختلاف در درازمدت تقویت می‌شود.

تلاش ایران و روسیه برای نقش‌آفرینی و نفوذ بیشتر در سوریه زمینه دیگر اختلاف است. روسیه تلاش می‌کند به‌عنوان داور نهایی حل بحران سوریه مطرح شود. ایران هم نمی‌خواهد هزینه‌هایش در سوریه بی‌ثمر جلوه کند. با شکست داعش و تثبیت نسبی اوضاع در سوریه، نیازهای میدانی دو کشور به یکدیگر کاهش یافته و اختلافات میان آن‌ها پررنگ‌تر شده است. در طول ماه‌های اخیر به‌دفعات درگیری‌هایی میان نیروهای نظامی وابسته به ایران و روسیه در سوریه گزارش شده است. پوتین نیز در دیدار با بشار اسد در ۱۷ می ۲۰۱۸، خواستار خروج همه نیروهای خارجی از سوریه شد (Averbukh & Klein, 2018:6) که به گفته الکساندر لاورنتیف، نماینده رئیس‌جمهور روسیه در امور سوریه، شامل ایران نیز می‌شود. ایران در واکنش اعلام کرد که حضور ایران بر اساس دعوت دولت سوریه است تا زمانی که سوریه بخواهد، در آنجا می‌ماند. دو کشور در طول هشت سال گذشته با در اختیار داشتن پایگاه‌های نظامی در سوریه درصدد این هستند که حضور و نفوذ خود را تضمین کنند. روس‌ها در تلاش‌اند که یک برنامه جامع برای بازسازی نهاد نظامی و تقویت نیروهای وفادار به خود در سوریه را اجرا کنند. اگرچه ورود فعالانه روسیه به بحران سوریه با کمک و همراهی ایران میسر شد، اما روسیه ممکن است در ادامه مسیر الزاماً تنها به تعامل با ایران را نیندیشد. نگرانی عمیق از آنجا نشئت می‌گیرد که حمایت‌های نظامی روسیه از سوریه، این کشور را بیش از گذشته وابسته و وام‌دار به روسیه کند و ایران نتواند نقش تعیین‌کننده در سوریه پسمانزعه داشته باشد (Dutkiewicz & Kozhanov, 2016: 11). ایران هم نمی‌خواهد کارت بازی برای روسیه در سوریه شود و می‌خواهد نقش مستقلانه خود را حفظ کند؛ بنابراین، تهران نیز تلاش‌های زیادی در نفوذ بیشتر در ارکان قدرت در سوریه انجام داده است.

همچنین، روسیه و ایران نسبت به آینده سوریه و تشکیل دولت ائتلافی برای شرایط پسمانزعه با یکدیگر اختلاف دارند. هرچند از لحاظ تاکتیکی، مواضع ایران و روسیه در سوریه یکسان است، ولی دو کشور درک مشترکی در رابطه با روند مطلوب در سوریه ندارند. مسکو مایل نیست بخشی از یک اردوگاه طرفدار شیعه در برابر ائتلاف سنی باشد (Dutkiewicz & Kozhanov, 2016: 11).

13: 2016). روسیه در فرآیند راه‌حل سیاسی تمایل دارد سوریه را به‌عنوان یک کشور سکولار ببیند. بر اساس متن پیش‌نویس قانون اساسی جدید سوریه که توسط روس‌ها در جریان مذاکرات صلح آستانه در ژانویه ۲۰۱۷ پیشنهاد شده بود، نظام آینده سوریه اسلامی سکولار است و کشور نیز به صورت فدراتیو اداره خواهد شد (Sputnik, 2017/2/1). بر اساس این متن، بند «فقه اسلامی» به‌عنوان منبع قانون‌گذاری و شرط مسلمان بودن برای رئیس‌جمهوری سوریه لغو شده است. روسیه خواهان ترتیباتی است که بتواند با شریک کردن اعراب سنی در قدرت، ترکیه و عربستان را هم راضی کند. استراتژی روسیه بر اساس حفظ منافع این کشور در ارتباط با قدرت‌های بین‌المللی تدوین شده است. روسیه آماده مصالحه بر سر اسد است. برای روسیه مسئله مهم این است که رئیس‌جمهور آینده سوریه چگونه منافع روسیه را تضمین خواهد کرد. در طرف مقابل ایران خواهان این است که دولتی در سوریه شکل بگیرد که در آن اقلیت علوی برتری خود را بر اکثریت سنی از دست ندهند. ایران نگران است اعطای نقش مهم به اهل تسنن در سوریه در نهایت منتهی به تضعیف نیروهای طرفدار ایران در سوریه شود (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۹). ایران، بر ماندن اسد به‌عنوان رئیس‌جمهور تأکید دارد. سوریه نقش دو دست ایران را در منطقه بر عهده دارد که بریدن آن به معنای فروپاشی محور مقاومت است. شواهد دقیقی وجود ندارد که نشان دهد اگر دولتی غیر از اسد روی کار بیاید، مایل به همکاری با ایران در جهت اهداف محور مقاومت باشد (Barkey, 2011).

روس‌ها در سوریه تمایل دارند تا همکاری آمریکا را جلب کنند. فتودور لویکیانف^۱، در مقاله‌ای در مجله معتبر فارن افرز معتقد است که علی‌رغم تحولات در روابط آمریکا و روسیه، در مواقع بحران‌های حاد بین‌المللی اغلب این دو کشور تنها بازیگرانی هستند که می‌توانند این بحران‌ها را حل کنند (Lukyanov, 2016). ولی در طرف مقابل، ایران هرچند به‌دفعات حمایت خود را از راه‌حل سیاسی برای پایان دادن به بحران سوریه اعلام کرده، اما به توافقات و راه‌حلی که یک طرف آن آمریکایی‌ها هستند بدبین است. به نظر می‌رسد روسیه با تجربه اندوختن از بحران لیبی، خواهان دستیابی به یک توافق با آمریکا بر سر مسئله سوریه با لحاظ کردن منافعش باشد؛ بنابراین، محتمل است در توافق نهایی برای حل و فصل بحران سوریه ایران نقش پررنگی نداشته باشد. عده‌ای این ناسازگاری منافع را دلیل محکمی برای راهبردی نبودن همکاری روسیه و ایران در بحران سوریه می‌دانند.

از طرف دیگر، رقابت برای کسب منافع اقتصادی از زمینه‌های اختلاف ایران و روسیه در سوریه پسمانزعه خواهد بود. دو کشور که در بقای نظام سوریه نقش مهمی داشته و متقبل هزینه‌های زیادی شده‌اند به دنبال جبران آن در مرحله بازسازی در سوریه هستند و نمی‌خواهند فرصت سرمایه‌گذاری در این کشور در حوزه‌هایی مانند انرژی، کشاورزی و بخش‌های زیرساختی را از

1. Fyodor Lukyanov

دست دهند (Hatahet, 2019:2). به عبارت دیگر، دو کشور برآند تا سهم خود از نبرد در سوریه را در دولت آینده سوریه مطالبه کنند در نتیجه، تهران و مسکو به چشم رقیب به یکدیگر می‌نگرند. همکاری میان ایران و روسیه در بحران سوریه، تابعی از نوع تعامل یا تقابل آن‌ها با سایر بازیگران درگیر در سوریه از جمله عربستان، اسرائیل است. ایران و روسیه از حیث نقش‌آفرینی سایر بازیگران و نوع رابطه با آن‌ها در بحران سوریه درک یکسانی ندارند. رقابت میان تهران و مسکو در بحران سوریه باعث شده است که روسیه برای تعدیل نقش ایران در صدد برآید تا تعامل سازنده‌ای را با سایر قدرت‌های منطقه‌ای درگیر در بحران سوریه داشته باشد و این مسئله خود از زمینه‌های اختلاف تهران و مسکو است. روسیه تلاش می‌کند تا در روابط خود با قدرت‌های خاورمیانه ایجاد توازن کند و سطحی از روابط را با همه طرف‌ها از جمله عربستان، اسرائیل و ترکیه حفظ کند و خودش را به عنوان قدرتی که دارای مشروعیت در منطقه است معرفی کند، اما ایران، برخی از کشورهای منطقه را بخشی از مشکل سوریه می‌داند. ایران نقش این قدرت‌ها را در شکل‌گیری و تداوم بحران مؤثر می‌داند. تهران، بحران سوریه را نوعی انتقام از متحد منطقه‌ای خود به واسطه تلاش‌های مؤثرش در جبهه مقاومت ارزیابی و معتقد است هدف اصلی، تضعیف جایگاه ایران در منطقه است. در حالی که اختلافات زیادی میان ایران و عربستان در موضوعات منطقه‌ای به‌ویژه سوریه وجود دارد، ولی روسیه سعی کرده است روابط خود را در زمینه‌های مختلف از جمله انرژی، تسلیحاتی و سیاسی با این کشور گسترش دهد. در بحران سوریه نیز تلاش مسکو ایجاد توازن میان تعاملات خود با ایران و عربستان است. روسیه همکاری‌هایی را نیز با عربستان در بحران سوریه دارد. به عنوان نمونه، لاوروف اعلام کرد که مسکو و ریاض برای متحد کردن جبهه معارضان سوریه برای برگزاری نشست‌های صلح با هم همکاری می‌کنند.

موضوع دیگر به رویکرد متفاوت ایران و روسیه نسبت به اسرائیل برمی‌گردد. ایران، اسرائیل را رژیم جعلی و اصلی‌ترین دشمن خود در منطقه می‌داند. گزینه مطلوب ایران در سوریه پسمانزعه، نظامی است که به عنوان حلقه ارتباطی با حزب‌الله و خط تقابل با اسرائیل عمل کند. در طرف مقابل، روسیه دارای روابط مستمر و همکاری نزدیک با اسرائیل است. این رژیم دومین شریک تجاری روسیه در خاورمیانه است (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۷۳). احساس خصمانه‌ای که در ایران نسبت به اسرائیل وجود دارد در روسیه وجود ندارد. روسیه متعهد است که امنیت اسرائیل در بحران سوریه خدشه نبیند. در این رابطه، روسیه مناسبات امنیتی خاصی را با اسرائیل پایه‌گذاری کرده است. در سفر سپتامبر ۲۰۱۵ نتانیاهو به روسیه، اعلام شد دو کشور بر سر هماهنگ‌سازی اقدامات نظامی‌شان در سوریه توافق کرده‌اند. اشتراک‌گذاری اطلاعات و اقدامات مسکو و تلاویو از طریق یک خط تلفن امن خاص که یک ارتباط مستقیم و رمزگذاری شده بین یوتین و نتانیاهو است، صورت می‌پذیرد (Averbukh & Klein, 2018: 5).

حضور نظامی ایران در سوریه به این کشور اجازه می‌دهد که جبهه نظامی تازه‌ای در بلندی‌های جولان ایجاد کند که مقامات اسرائیل آن را تهدیدی علیه امنیت خود قلمداد می‌کنند (هانور، ۱۳۹۵: ۱۱). نتانیاهو مدعی شد اسرائیل حتی ممکن است با ماندن اسد در قدرت موافقت کند اگر روسیه بتواند ایران را از سوریه خارج کند (Burchfield, 2018). در چند سال اخیر ارتش اسرائیل به دفعات مقرهای ایران در نزدیکی مرز خود را هدف قرار داده و این در حالی است که روسیه واکنشی نشان نداد (Azodi & Mahmoudian, 2018). برخی از مقامات ایران از فعال نبودن سامانه پدافند اس ۳۰۰ روسیه مستقر در سوریه در زمان این حملات انتقاد کردند. روسیه نمی‌پذیرد که ایران خودش یا از طریق بازوی خود یعنی حزب‌الله لبنان آسیبی به اسرائیل بزند. روسیه بنا به درخواست اسرائیل بارها از ایران درخواست کرده از انتقال سلاح به حزب‌الله جلوگیری کند. روسیه در شرایط پساامنارزه در سوریه نیز تمایل ندارد نظام سوریه موضعی ضداسرائیلی داشته (Cohen, 2018) و در کنار ایران امنیت اسرائیل را تهدید کند. این مسائل می‌تواند به شکل بدبینانه‌ای، آینده همکاری‌های مسکو و تهران را در سوریه تحت‌الشعاع قرار دهد و زمینه‌ساز اختلافات جدی میان دو کشور شود. مجموع این عوامل منجر به یک همکاری حداقلی و مقطعی میان دو طرف شده است.

نتیجه‌گیری

از آغاز بحران در سوریه تا مقطع فعلی، ایران و روسیه دو کشور مهم تأثیرگذار در منطقه هستند که برحسب منافع خود در یک صف واحد در مقابل گروه‌های مخالف نظام حاکم و حامیان خارجی آنان به‌ویژه آمریکا قرار دارند. در واقع، خطرات مشترک زیادی در حوزه‌های مختلف تهران و مسکو را تهدید می‌کند. در نتیجه، الزامات بین‌المللی و منطقه‌ای و درک مشترک از تهدیدهایی که در منطقه و به‌ویژه در سوریه وجود دارد باعث ایجاد یک پایه برای توسعه همکاری روسیه و ایران و اتحاد مصلحتی مشترک میان آن‌ها شده است. تعامل و همگرایی میان تهران و مسکو باعث شده است که تا حدودی از تبدیل بحران سوریه به منبع اصلی و درازمدت بی‌ثباتی در منطقه جلوگیری شود. دو کشور به‌عنوان حلقه‌های حامی اسد عمل کرده‌اند و هرکدام دارای مسئولیت‌های مشخص بوده و به‌نوعی دارای نقشی مکمل نسبت به یکدیگر می‌باشند. مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی در سوریه از زمینه‌های همکاری تهران و مسکو در بحران سوریه است. همکاری دو کشور در سوریه می‌تواند معیاری برای تسری همکاری‌ها در سایر زمینه‌ها باشد. علی‌رغم همکاری‌های گسترده سیاسی دفاعی و امنیتی ایران و روسیه در بحران سوریه نمی‌توان لقب اتحاد راهبردی را به این همکاری‌ها داد. همکاری دو کشور بر اساس نیازهای متقابل، منافع و موضوعات مشترک بوده است، ولی در عین حال، تهران و مسکو دارای اختلافاتی در بحران سوریه هستند. موضوعاتی از قبیل بی‌اعتمادی موجود بین دو طرف، نگاه ایزاری دو کشور به همکاری با هم، تلاش برای نقش‌آفرینی

و نفوذ پررنگ‌تر، رویکرد متفاوت دو کشور در فرآیند راه‌حل سیاسی و تشکیل دولت ائتلافی در شرایط پسمانزعه و مواضع متفاوت منطقه‌ای آن‌ها از زمینه‌های اختلاف در بحران سوریه شده است. با نگاهی واقع‌گرایانه می‌توان به این نکته اشاره کرد که ایجاد همکاری راهبردی با روسیه در حال حاضر میسر نیست، زیرا تهران و مسکو نیازمند یک تعریف واحد از منافع در طولانی‌مدت هستند. در هر صورت ایران و روسیه برای رسیدن به سطح همکاری‌های راهبردی فاصله زیادی دارند و باید اقدامات اساسی‌تری پیش از همکاری‌های کنونی انجام دهند. هرچند تهران و مسکو دارای اختلاف و رقابت در سوریه هستند، ولی سطحی از همکاری میان آن‌ها حفظ خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، محدودیت‌های استراتژیک دو کشور به صورت انفرادی در سوریه باعث خواهد شد که دو کشور در سوریه پسمانزعه هم با یکدیگر همکاری داشته باشند.

کتابنامه

۱. ایوانف، ایگور؛ شوری، محمود. (۱۳۹۵). *همکاری‌های ایران و روسیه، ابعاد و چشم‌انداز*. تهران: موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
۲. جکسون، رابرت؛ سورنسون، گئورگ. (۱۳۸۵). *درآمدی بر روابط بین‌الملل*. ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعیدکلایی. تهران: نشر میزان.
۳. دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت. (۱۳۸۸). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: انتشارات قومس.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
۵. عسگریان، حسین. (۱۳۹۴). *چشم‌انداز روابط ایران و روسیه*. تهران: ابرار معاصر.
۶. قوام، سید عبدالعلی؛ فاطمی‌نژاد، احمد؛ شکوهی، سعید. (۱۳۹۳). *نظریه روابط بین‌الملل؛ پیشینه و چشم‌انداز*. تهران: نشر قومس.
۷. مرادی، منوچهر. (۱۳۹۶). *اتحاد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه؛ عوامل و چشم‌انداز*. تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
۹. نجات، سید علی. (۱۳۹۶). *بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۰. هانور، لری. (۱۳۹۵). *مناقض و گزینه‌های اسرائیل در سوریه*. موسسه رند. تهران: ترجمه‌شده در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

۱۱. هینه‌بوش، ریموند؛ احتشامی، انوشیروان. (۱۳۹۰). سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه. ترجمه رحمان قهرمان‌پور و مرتضی مساح. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۱۲. اصولی، قاسم؛ رسولی، رؤیا (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۷(۱)، ۷۱-۹۸.
۱۳. باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۳). رویکرد نظری به علت توسعه روابط ایران و روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۷(۱)، ۳۷-۵۶.
۱۴. برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. فصلنامه روابط خارجی، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۱۵.
۱۵. پسندیده، سمیه (۱۳۹۳). همکاری‌های امنیتی ایران و روسیه؛ زمینه‌ها و چشم‌انداز. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۷(۱)، ۱۵۵-۱۷۴.
۱۶. جعفری، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟ مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶(۴۰)، ۱۲-۲۱.
۱۷. دهشیری، محمدرضا؛ عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۴). رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ (مطالعه موردی بحرین و سوریه). فصلنامه مطالعات سیاسی جهان/اسلام، ۴(۱۵)، ۷۵-۵۵.
۱۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ مرادی، منوچهر (۱۳۹۴). آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۹، ۶۵-۹۱.
۱۹. ذوالفقاری، مهدی؛ عمرانی، ابودر (۱۳۹۶). تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های جهان/اسلام، ۷(۲)، ۶۹-۹۵.
۲۰. ربیعی، حسین؛ نقدی، جعفر؛ نجفی، سجاد (۱۳۹۶). بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۹(۳۰)، ۶۱-۸۸.
۲۱. رجبی، سهیل (۱۳۹۱). واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی (با نیم‌نگاهی به تحولات اخیر در سوریه). فصلنامه پانزده خرداد، ۱۰(۳۴)، ۱۲۳-۱۵۰.
۲۲. رستمی، محمدرضا (۱۳۹۴). جریان‌ات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آن‌ها با توجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۱)، ۹۷-۱۲۲.
۲۳. زرگر، افشین (۱۳۹۲). مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۰، ۵۳-۸۲.
۲۴. سیمبر، رضا؛ ستوده، علی‌اصغر؛ اسماعیلی، علی (۱۳۹۵). راهبرد روسیه در بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۴). مطالعات آسیای مرکزی، ۹(۲)، ۳۰۹-۳۲۴.

۲۵. صادقی، سید شمس‌الدین؛ مرادی، سمیران (۱۳۹۶). تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه. *فصلنامه اوراسیای مرکزی*، ۱۰(۱)، ۱۵۳-۱۷۰.
۲۶. فرشادگهر، ناصر؛ قائمی، یاسر؛ جمور، لیلا (۱۳۹۷). واکاوی روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران سوریه. *دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، ۱(۲)، ۱۳۹-۱۶۵.
۲۷. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹). روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۳(۶)، ۱۱۱-۱۳۶.
۲۸. کولایی، الهه؛ عابدی، عقیقه (۱۳۹۶). فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶-۱۹۹۰. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۰(۴۰)، ۱۳۵-۱۶۴.
۲۹. کوه‌کن، علیرضا؛ تجری، سعید (۱۳۹۳). بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴). *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۳(۱۰)، ۱۱۳-۱۲۸.
۳۰. میرزاده‌کوهشایی، مهدی (۱۳۹۳). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریوها و پیامدها. *فصلنامه دفاع مقدس*، ۳(۱۱)، ۱۷۱-۱۸۸.
۳۱. شهیدی، محمدعلی، (۷ فروردین ۱۳۹۸)، «آمار شهدای مدافع حرم»، *سایت صدای مدافعان*، قابل مشاهده در:

<http://www.sedayemodafean.org/akhbar/9006>

۳۲. ظریف، محمدجواد، (۱۴ فروردین ۱۳۹۶)، «شرط ایران برای همکاری با روس‌ها در نوزه»، *روزنامه شرق*، شماره ۲۸۳۰، قابل مشاهده در:

<http://www.sharghdaily.ir/fa/main/page> .

References

- Allcock, Simon, (2016), Explaining Russia's Intervention in Syria in September 2015, *E-International Relations Students*.
- Allison, Roy, (2013), Russia and Syria: Explaining Alignment with a Regime in Crisis, *International Affairs*, 89: 4.
- Averbukh, Lidia, Klein, Margarete, (2018), Russia- Israel Relationship Transformed by Syria Conflict, *German Institute for International and Security Affairs*, No. 37.
- Azodi, Sina, Mahmoudian, Arman, (2018), Iran's Alliance With Russia in Syria, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/>.
- Barkey, Henri, (2011), Turkey takes over Arab Spring. *Carnegie*. Available at: <http://carnegieendowment.org/2011/04/26/>.
- Bagdonas, Azuolas, (2012), Russia's Interest in the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit, *European Journal of Economic and Political Studies (EJEPS)*, 5(2).

7. Burchfield, Emily, (2018), The Limits of Cooperation Between Russia and Israel Over Iran's Foothold in Syria, *World Politics Review*.
8. Cohen, Josh, (2018), Commentary: Cracks in Russia- Iran Alliance open options for Trump, *available on: [https:// www. Reuters.com](https://www.Reuters.com)*.
9. Covington, Stephen, (2015), **The Meaning of Russia's Campaign in Syria, Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School.**
10. Dutkiewicz, Piotr & Kozhanov, Nikolay, (2016), Civil War in Syria and the Evolution of Russian – Iranian Relations. *Emirates Policy Center, Russian Studies Unit*.
11. Hatahet, Sinan, (2019), Russia and Iran: Economic Influence in Syria,
12. *The Royal Institute of International Affairs*. Middle East and North Africa Programme
13. Kainikara, Sanu, (2018), *In the Bear's shadow, Russian Intervention in Syria*, Air Power Development Centre.
14. Katzman, Kenneth, (2019), Iran's Foreign and Defense Policies: see to:
15. <https://www.hsdl.org/?view&did=820524>
16. Katz, Mark, (2015), Elusive as Ever: The State of Iranian-Russian Cooperation, *Wilson Center*.
17. Lukyanov, Fyodor, (2016), Putin's Foreign Policy, *Foreign Affairs*, 95(3).
18. MacFarquhar, Neil & Sanger, David, (2016), Russia Sends Bombers to Syria Using Base in Iran, *The New York Times*.
19. Naumkin, Vitaly; Aksenyonok, Alexander; Zvyagelskaya, Irina and Vasily Kuznetsov, (2012), The Role of the External Forces in Transformation in the Arab World and Russia's Interests, *Valdai Discussion Club Analytical Report*.
20. Meyer, Henry; Cook, Brad and Ilya Arkhipov, (2011), Russia Warns U.S., NATO Against Military Aid to Syria Protests After Libya. *Bloomberg*. Retrieved, 28 June.
21. Naumkin Vitali, (1998), The Russian-Iranian Relations: Present Status and Prospects for the Future, *Journal of International Affairs*, Vol 3, No. 1.
22. Orlov, Vladimir and Alexander Vinnikov, (2005), The Great Guessing Game: Russia and the Iranian Nuclear Issue. *Washington Quarterly*, Vol. 28, No. 2. pp. 49-66.
23. Ozertem, Hasan Selim, (2015), Russia's Shifting Strategy in Syria and its Implications for Turkish Foreign Policy, *International Strategic Research Organization*, Policy Brief No:21.
24. Rogers, Paul & Reeve, Richard, (2015), Russia's Intervention Implications for Western Engagement, *Oxford Research Group*.
25. Samuel, Annie Tracy, (2012), The Syrian Uprising: The View from Tehran, *Telaviv Notes*, Volume 6, Number 12.
26. Trenin, Dmitri, (2013), The Mythical Alliance: Russia's Syria Policy, *Washington D.C. Carnegie Endowment for International Peace*.
27. Siddiqui, Fazzur Rahman, (2016), Evolution of Syrian Crisis and Analyzing the Role of Russia: A Game Changer, *Indian council of world affairs*.

28. Waltz, Kenneth, (1979), *Theory of International Politics*, New York: Random House.